

دشواری رویاگونگی و توسعه؛ نگاهی به مناسبات دولت با مدرنیته

در ایران پساانقلاب

پیمان زنگنه*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

سیدحسین اطهری**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

چکیده

ورود مدرنیته به ایران با چالش‌های متعددی همراه بوده، به طوری که جامعه ایرانی در مواجهه با امر مدرن، دغدغه حفظ هویت بومی خود را داشته است. چالش‌های یک سده اخیر در ایران حاکی از آن است که جامعه ایرانی با مدرنیته مشکل نداشته، بلکه با ایدئولوژی دگرساز غرب‌گرا که بر تفکر مدرن سایه انداخته بود، سرستیز داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، هم‌چنان تقابلی سنت و مدرنیته که میراثی تاریخی محسوب می‌شد، خودنمایی می‌کرد. هریک از دولت‌مردان پس از انقلاب به دلیل اقتضائات ناشی از انقلاب با ایدئولوژی غرب‌گرا از در خصومت درآمدند، اما با مدرنیته و ماشین فاستی توسعه مدرن نه تنها هیچ مشکلی نداشتند، بلکه به عنوان پیشروان امر مدرن نقش‌آفرینی کرده‌اند. نوشتار پیش‌رو در صدد است تا پرچمداری دولت‌های ایران پساانقلاب در پیشبرد امر توسعه مدرن را به رغم تعارضات ایدئولوژیکی با ایدئولوژی غرب‌گرا که خود را به صورت تخاصم با غرب نمایان ساخته بود، به نمایش بگذارد. این نوشتار هم‌چنین در راستای اثبات مدعای بالا به شیوه توصیفی و تحلیلی، از مدل نظری تلفیقی فاوست‌گوت، امرنمادین لکان و جهان زیست‌ها بر ماس بهره گرفته است.

واژگان کلیدی: امرنمادین، مدرنیته، هویت دینی، توسعه فاوستی، ایران پساانقلاب، جهان زیست.

مقدمه

توسعه در فراگرد مدرنیته از جمله موضوعاتی است که امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه با آن درگیر هستند. به عبارتی توسعه به زایش تضاد می‌انجامد. پس در این فرآیند بسیاری از باورها، اعتقادات و پیش‌فرض‌های ذهنی ماقبل توسعه با بحرانی جدی مواجه می‌شوند. الگوی فاوستی توسعه در تلاش است تا با گستراندن چتر خود در کشورهای جهان و وارد آوردن ضربه‌ای اساسی به کشورهای هدف، پروژه سازندگی خود را به قیمت تخریب بسیاری از رویاها و هویت جوامع تحت توسعه به پیش برد. اگر به تحولات جامعه ایران پس‌انقلاب نیز بنگریم، در سال‌های اولیه پس از انقلاب تلاش‌هایی صورت‌گرفت تا در مقابل ماشین پیش‌رونده توسعه فاوستی، موانعی ایجاد کند. اما به تدریج منطق فاوستی توسعه بر منطق هویتی و دینی چیره شد. البته منظور از منطق هویتی و دینی همان برداشتی از دین است که توسط امام خمینی و شاگردان ایشان ارائه شده و با عقلانیت شیعه اصولی باورمند به پذیرش عرف و مقتضیات زمان همخوانی دارد.

از این رو در دوران سازندگی، اهتمام دولت در جهت تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و زیربنایی کشور به نوعی حرکت در جهت الگوی فاوستی توسعه محسوب می‌شد. با پیرنگ شدن شبح الگوی فاوستی توسعه، تلاش‌هایی جهت ترمیم ناکارآمدی‌های این الگو صورت‌گرفت. اما این تلاش‌ها نیز در بسیاری از موارد با منطق فاوست‌گونه توسعه همسو شد و در اثر این شرایط، کوشش‌هایی در جهت بازتعریف بسیاری از موضوعات ذهنی و عینی در جامعه صورت‌گرفت. به هر روی مساله این پژوهش، فهم تأثیرات مدرنیته بر هویت انقلاب اسلامی و چگونگی بازنمایی این تأثیرات بر کردارهای دولتمردان ایران پس‌انقلاب می‌باشد. یعنی این‌که آنان در مواجهه با مدرنیته چه فهمی از هویت دینی را عرضه کرده‌اند، به‌گونه‌ای که هم دغدغه‌های هویتی آن‌ها حفظ شود و هم از فرآیندهای پویای ناشی از مدرنیته عقب نمانند.

از این رو جنبه نوآورانه این متن پژوهشی در کاربست مفهوم فاوستی توسعه به عنوان یکی از برجسته‌ترین ابعاد مدرنیته است که طی آن بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی توسعه فاوستی، جامعه ایران پس‌انقلاب را به خود معطوف داشته‌است. سوال نوشتار پیش‌رو آن است که چه رابطه‌ای میان باورهای هویتی با ماشین فاوست‌گونه توسعه در دولت‌های ایران پس‌انقلاب برقرار بوده‌است؟ فرضیه در پاسخ

به سوال مذکور این است که دولت‌های پس از انقلاب با همسو نمودن گزاره‌های امر نمادین ارزشی و دینی با توسعه، در پیشبرد منطق توسعه فاوستی مدرن موثر بوده‌اند. بنابراین در این نوشته سعی بر آن است تا همسازی رویاگونگی هویتی با توسعه فاوستی در دولت‌های پس از انقلاب با بهره‌گیری از مدل نظری تلفیقی فاوست گوته، امرنمادین لکان و زیست‌جهان هابرماس مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد.

پیشینه پژوهش

در این نوشته از آثار متعددی در ارتباط با مسائل مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران در مقاطع مختلف از جمله پس از انقلاب بهره‌گرفته شده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از: آبراهامیان (۱۳۹۸)، ضمن بررسی روند تاریخ ایران از دوره قاجار تا دوره جمهوری اسلامی بر این باور است که جمهوری اسلامی تا آینده‌ای معلوم تداوم خواهد داشت. فرض او بر این است که گذشته، چرا و چگونه به حال رسید. سرزعی (۱۳۹۶)، به تحلیل و بررسی کیفیت حکمرانی محمود احمدی‌نژاد پرداخته و مدعی است که پس از جنگ با دو جمهوری اسلامی هاشمی و جمهوری اسلامی احمدی‌نژاد روبرو هستیم. دارابی (۱۳۸۸)، درصدد است تا بتواند در تبیین رخدادها و تحولات ایران معاصر به خصوص دوره جمهوری اسلامی، سیر تکاملی برای شناخت جریان‌های سیاسی ارائه دهد.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹)، رویکردهای نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به همراه منابع، اصول و اهداف آن را بررسی نموده و سپس با تشریح گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ساختار تصمیم‌گیری و تحولات تاریخی آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. همو در (۱۳۸۴)، نیز سیر تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای آن و در گفتمانی بررسی کرده است. هم‌چنین او در (۱۳۹۳)، به گفتمان‌های مختلفی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی و عناصر آن را تحت تاثیر قرار داده، پرداخته است. سراج و اخوان (۱۳۹۵)، هم جریان اعتدالی با محوریت حسن روحانی را از نظر تبارشناسی تاریخی و مشخصه‌های فکری و مرامی آن تحلیل نموده است.

قهرمان‌پور (۱۳۹۴)، در چهار دهه گذشته اسلام و فهم از الزامات و پیامدهای سیاسی آن در عرصه عملی سیاست یکی از منابع اصلی تحول‌خواهی در میان نیروهای سیاسی بوده است. نویسنده به دنبال فهم آثار عملی هویت بر سیاست در ایران چند دهه گذشته

است. مصلی نژاد (۱۳۹۵)، ضمن بررسی نظرگاه‌های مختلف در خصوص توسعه اقتصادی با استفاده از مدل توسعه سیاسی آمارتیا سن به عنوان مدل نظری، فرآیند توسعه اقتصادی ایران در دوره‌های قاجار، پهلوی و به‌ویژه جمهوری اسلامی را نیز مورد توجه قرار داده‌است. موسویان (۱۳۹۴)، با انبوهی از اسناد و مدارک و اطلاعات قابل تامل به بررسی روند بحران هسته‌ای ایران با ذکر جزئیات تاریخی آن می‌پردازد. فوزی (۱۳۸۷)، با بهره‌گیری از نگاه سیستمی، تحولات سیاسی در ایران بعد از انقلاب را مورد مطالعه قرار داده و معتقد است که انقلاب اسلامی متاثر از چالش تعادل‌های مقطعی با عناصر نامتعادل کننده نشأت گرفته از عوامل داخلی و خارجی بوده‌است.

فرزانه پور و زنگنه (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران را در دو دوره جنگ و دولت احمدی نژاد با بهره‌گیری از دو مفهوم آرمان‌گرای ارزش محور و ایدئولوژیک ارزش محور عملگرا، مقایسه نموده‌اند. رضانی (۱۳۸۰)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با نگاهی واقع بینانه و براساس تعامل پویا میان عرصه داخلی، سیاست خارجی و نظام بین‌الملل بررسی کرده‌است. و افزون بر این منابع، برمن (۱۳۹۷)، تجربه مدرنیته در کشورها و مناطق مختلف جهان را نیز مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌است. به هر روی نوشتار مذکور از تمامی آثار پیش‌گفته در جهت اثبات مدعای خود بهره‌گرفته و برآن بوده‌است تا با نگاه اقتباسی به منابع فوق‌الذکر، از بخش‌هایی از آن‌ها که همسو با رویکرد نظری و مفهومی و سوال و فرضیه این پژوهش بوده‌است، به نحو شایسته‌ای استفاده نماید.

رویکرد نظری

در این نوشته تلاش شده تا با بهره‌گیری از مفاهیم فاوست گوته، امرنمادین لکان و جهان زیست‌هابرماس، مدلی تلفیقی جهت تبیین عملکرد دولت‌های پساانقلاب در ارتباط با مدرنیته ترسیم شود. الگوی فاوستی توسعه همان توسعه و سازندگی در امور عینی جامعه است که منجر به ایجاد تغییراتی در عرصه ذهنی آن می‌شود. به واقع تغییرات ناشی از سازندگی در دگرگونی امر نمادین حاکم بر هر یک از جوامع موثر است. به نحوی که امرنمادین باید خود را با اقتضات ناشی از منطق توسعه فاوستی هماهنگ سازد، لذا به موازات تغییرات ناشی از توسعه فاوستی، امر نمادین نیز باید خود را با چنین شرایطی تطبیق دهد. به هر روی بروز بحران جدی ناشی از منطق توسعه فاوستی که در مرحله نمادین‌سازی هم نمود پیدا می‌کند،

ضرورت تلطیف روابط انسانی را بیشتر از گذشته برجسته نمود. در این راستا هابرماس با طرح مفهوم جهان زیست و پرداختن به عقلانیت ارتباطی در صدد بود تا مجالی را فراهم کند تا سوژه‌های انسانی بتوانند، فضایی گشوده را جهت خروج از اثرات ناخوشایند منطق فاوستی نمادین شده، تجربه کنند.

فاوست‌گوته

گوته با بهره‌مندی از بن‌مایه‌های اندیشگی میراث به جای مانده از سده‌های میانه و رنسانس و عصر روشنگری سده هجدهم فرانسه و با تاثیرپذیری از آن چه در برابر دیدگانش در اروپا می‌گذشته، با فاصله‌ای طولانی، بخش‌های فاوست را پروارنده است (گوته، ۱۳۹۹: ۵). ماجرای فاوست‌گوته در دوره‌ای آغاز می‌شود که حس و تفکر مدرن شده، اما شرایط مادی و اجتماعی، هنوز قرون وسطایی است. به واقع آن نیرویی که به فاوست گوته جان می‌بخشد، میل به رشد و توسعه است (برمن، ۱۳۹۷: ۵۵-۵۴). فاوست گوته، تجسم بشریت جدیدی است که از دل رنسانس پدید آمده است. بشریتی که با فروش روح خود به شیطان در جستجوی قدرت و اقتدار مطلق برای تصرف در عالم ماده برآمده است. مفیستو (شیطان) با فاوست پیمانی می‌بندد که از راه برآوردن خواست‌ها و آرزوهای او و شاد ساختن فاوست، روح وی را در اختیار بگیرد. او با یاری شیطان به ارضاء هواهای نفسانی خود می‌پردازد و جمعی را نیز به ورطه ناکامی و مرگ می‌کشاند.

در بخش دوم، فاوست به روزگار باستان بازمی‌گردد و عاشق هلن، بانوی زیبا روی یونانی می‌شود. در این بخش، فاوست می‌کوشد به کارهای شگفت‌آوری دست بزند. برای مثال می‌خواهد به یاری مفیستو، طبیعت را به خدمت انسان درآورد و یا سرزمینی را به وجود آورد که همه مردم سعادت‌مند باشند اما این تلاش‌ها بیهوده است و هیچ یک نهاد او را شاد نمی‌کند (زرشناس، ۱۳۶۹: ۵۰). فاوست در مقام کسی که در جامعه‌ای ایستا، مدافع و حامل فرهنگی پویاست، گرفتار کشمکش حیات درونی و بیرونی گشته است. در قرن بیستم، روشنفکران جهان سوم، این حاملان فرهنگ‌های پیشگام در جوامع عقب افتاده، گسست فاوستی را با شدت و حدت خاصی تجربه کرده‌اند. نهایتاً فاوست به موقعیتی می‌رسد که حس می‌کند، تلاش‌ها و رنج‌های باطنی و ناپیدای او با رنج‌ها و آرزوهای مردمان و کارگران فقیر شهری گرداگرد او مرتبط است (برمن، ۱۳۹۷: ۶۰-۵۹).

امر نمادین لکان

لکان معتقد است، سوژه با گردن نهادن به قوانین زبان، به سوژه‌ای در زبان بدل می‌گردد و در تلاش است تا از طریق بازنمایی به هویت مناسبی دست یابد (Lacan, 1993: 179). به سخن دیگر، زبان حامل امر مفروض اجتماعی، فرهنگی، قوانین و نواهی است. لکان به خوبی نشان می‌دهد که ضمیر ناخودآگاه، ساختمانی چون ساخت زبان دارد و عیناً منعکس‌کننده نوع سیستمی است که زبان تکلم هم داراست. رؤیا به آن نحو که فروید به کشف آن نایل آمد، در حقیقت مصور ساختن یا به صحنه گذاردن کلمات و تعبیرات زبان است (موللی، ۱۳۸۶: ۲۶). لکان بر این باور است که با پدیدار شدن نمادها، همه چیز از جمله ناخودآگاه و سوژه‌کنیویته بشری مطابق با آن‌ها و قوانین امرنمادین تنظیم و ساخته می‌شوند.

لکان ناخودآگاه را به عنوان کلام دیگری بزرگ تعریف می‌کند. دیگری بزرگ همان زبان و در واقع نظام نمادین است. این دیگری هرگز با سوژه به طور کامل همانند نمی‌شود. لکان نظام نمادین را مفهومی تمامیت‌بخش تلقی می‌کرد، به این معنا که حد و مرز جهان بشری را مشخص می‌کند. البته باید گفت که از نظر وی ساختار یا همان نظام نمادین هرگز کامل نیست و همواره چیزی اضافی وجود دارد که از امرنمادین فراتر می‌رود (هومر، ۱۳۸۸: ۹۳-۶۸).

جهان زیست هابرماس

هابرماس در تئوری عمل تفاهمی، دو مفهوم جهان زیست و سیستم را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. جهان زیست، عرصه روابط سمبلیک و ساخت‌های نرماطیو و جهان معنا و عمل ارتباطی و تفاهمی و اجماع و توافق و رابطه ذهنی است. در مقابل عناصر اصلی سیستم را قدرت و پول تشکیل می‌دهد. در عصر سرمایه‌داری متاخر، حوزه‌های وسیعی از جهان زیست در درون سیستم مستحیل و بر حسب سیستم اقتصادی و نظام قدرت بازسازی شده است. حاصل سلطه سیستم بر جهان زیست، از دست رفتن معنا، تزلزل هویت جمعی، بی‌هنجاری، بیگانگی و شیئی‌گونی جامعه است. از نظر هابرماس، گسترش و استقلال جهان زیست و توسعه حوزه عقلانیت فرهنگی مستلزم رشد و توانایی تفاهم و ارتباط است (بشیری، ۱۳۸۰: ۲۲۶-۲۲۵). هابرماس بر این باور بود که باید از یک سو میان دانش خود و نیروی تکنولوژیک موازنه ایجاد کنیم و از سوی دیگر دانش را با خواست‌های پراتیک برآمده از زیست جهان به توازن درآوریم (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۶۸).

هابرماس به ساختن و پرداختن نوعی اخلاق باور داشت که نه از طریق زور و سازش، بلکه از طریق توافق به اختلاف‌ها پایان می‌داد (شوالیه، ۱۳۹۸: ۶۲۳-۶۱۸). بنابراین می‌توان مدل تلفیقی مذکور را جهت تبیین نسبت رویاگونگی (هویت) و توسعه در دولت‌های ایران پس‌انقلاب به کار بست. منطق فاوستی توسعه در تمامی دولت‌های پس از انقلاب مورد توجه دولت‌ها بوده، به‌گونه‌ای که امر نمادین اسلامی که متأثر از آرمان رویاگونگی اسلامی است، منطبق با منطق فاوستی توسعه تغییر نموده است. اما مفهوم جهان زیست در این مدل تلفیقی تنها در دوره اصلاحات برای انسانی‌تر کردن مناسبات به هم پیوسته توسعه فاوستی و امر نمادین مرتبط با آن به کار بسته شده است که شرح و بسط این مدل تلفیقی در متن این نوشتار مورد استفاده قرار گرفته است. کاربرد مدل تلفیقی فاوست‌گفته، امر نمادین لکان و جهان زیست هابرماس در قالب شکل شماره یک به این صورت قابل ترسیم است.

شکل شماره (۱)

مفهوم	نوع رابطه با دیگر گزاره‌ها
منطق فاوستی توسعه	تعیین‌کننده ماهیت امر نمادین است.
امر نمادین	متأثر از منطق فاوستی توسعه به بازتفسیر رویاگونگی اسلامی می‌پردازد و در دوره‌های مختلف نیز ماهیت آن تغییر کرده است.
جهان زیست	نقطه مقابل منطق فاوستی و امر نمادین برآمده از آن است و برای انسانی‌تر کردن منطق فاوستی و ارائه خوانشی دموکراتیک از امر نمادین در تلاش است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نگاهی به رابطه دولت و مدرنیته در ایران

مدرنیته مفهومی پیچیده است که نمی‌توان تعریف جامعی از آن ارائه داد. به بیان جهان‌نگلو، «اصل مدرنیته به معنای همواره به پیش رفتن و در عین حال فراخواندن نو و کنار گذاشتن کهنه است» (جهان‌نگلو، ۱۳۷۶: ۵-۴). مدرنیته یک جریان و واقعیت است که... در همه جا از جمله در خانواده، اقتصاد، دین، فکر و... اتفاق افتاده و شرایط را نیز برای تجربه‌های متفاوت فراهم کرده است (پرستش، ۱۳۸۷: ۴۴-۴۳). به گفته ماکس وبر، مدرنیته سازمان بخردانه جامعه و گونه‌ای گسست تام از باورهای فرجام‌شناسانه است (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۰). از آن جا که در سده هفدهم، سر رشته پول و سرمایه و قدرت عملی در دست بورژوازی بود

و پیشرفت‌های علمی و صنعتی، آن را نیرومندتر و در روند جهانگیری استعماریش، کامیاب‌تر می‌ساخت، آشکار است که طبقه یاد شده بخشی از نیرو و کوشش خویش را در زمینه دانش کارشناسی به‌کار می‌برد که یکی از پیامدهای آن، بهبودی و پیشرفت نسبی در جامعه بشری بود (حائری، ۱۳۹۴: ۲۶-۲۵). به هر روی فرآورده‌های فکری مدرنیته و طبقه حامل آن یعنی بورژوازی، مرزهای اروپا را درنوردید و وارد جهان غیر غربی شد. ورود مدرنیته به ایران نیزکل چشم‌انداز فرهنگ سیاسی و فکری ایران را دستخوش تغییرات اساسی کرد. این تغییرات، تنها به بخش سکولار تحصیل‌کرده‌های ایرانی محدود نماند، بلکه شامل علمای شیعه نیز می‌شد. بدین معنا که آنان نیز به رویارویی با غرب و چالش‌های مدرنیته تن دادند (میرسپاسی، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

بعدها رشد اقتصادی که ناشی از ضرورت‌های مدرنیته و تراوشات فکری بورژوازی بود، زمینه‌ساز تقویت دولت شد. به‌گونه‌ای که دولت با در اختیارگرفتن منابع اقتصادی، قدرت زیادی را به دست آورد و به این ترتیب ساخت اقتصادی و اجتماعی را تحت کنترل خود درآورد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۵۰). با ورود ایران به صورتبندی سرمایه‌داری به واسطه نوسازی در عصر دولت مطلقه پهلوی، شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی تازه‌ای شکل‌گرفت (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۲). ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باقی‌مانده از زمان محمدرضا شاه را می‌توان به عنوان واقعیت اجتناب‌ناپذیر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. درحالی‌که زیرساخت‌های اقتصادی و فرهنگی ایران نسبتاً ثابت باقی‌مانده بود.

این امر نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های اقتصادی متفاوت، صرفاً براساس موج‌های انقلابی امکانپذیر است. زمانی که هیجانات انقلابی کاهش یابد و ساخت‌های حکومتی، ناچار به برنامه‌ریزی اجرایی براساس شاخص‌های ملموس اقتصادی گردند، درآن شرایط می‌توان نقش و تاثیر زیرساخت‌های اقتصادی را مورد ملاحظه قرار داد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۵۱-۲۵۰). طرفه این‌که چرخش گفتمانی درحالی صورت‌گرفت که انقلاب، خود مبارزه‌ای به غایت قاطعانه درجهت مدرنیته بود. از سوی دیگر این انقلاب هم‌چنین نبردی علیه مدرنیته تحریف شده، یعنی آن مدرنیته‌ای که در قالب ایدئولوژی غرب‌گرا و فاوست‌گونه و بی‌توجه به اصول انسانی توسط شاه تحمیل می‌شد، محسوب می‌شد (میرسپاسی، ۱۳۹۳: ۴۳).

مناسبات دولت و مدرنیته در ایران پس‌انقلاب

ریشه تقابل انقلاب اسلامی با ایدئولوژی مدرن و نه مدرنیته به‌گرایش‌های غربی رمانتیسم

ایرانی - اسلامی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی برمی‌گردد. در آن مقطع، جذابیت این‌گرایش آن چنان بود که حتی روشنفکرانی که در قدرت سهیم شدند، از لفاظی‌ها و مطالب ضد غربی آن بهره می‌بردند (همان، ۱۳۸۵ و ۱۳۶۹). زبیده بر این باور است که اگرچه امام خمینی، خود را مقید به اعمال و شعارهای سنتی اعلام می‌کند اما دستاوردهای وی را جز درالفت با مدرنیته نمی‌توان درک کرد (سعید، ۱۳۷۹: ۱۱۱). شریعتی نیز در تلاش بود با ورود به درون گفتمان مدرنیته از طریق نقد توأمان سنت و مدرنیته، راه سومی را مبنی بر پروتستان‌تیزم اسلامی بگشاید (پدرام، ۱۳۸۲: ۱۴۰).

بنابراین مساله اصلی انقلاب اسلامی، تقابل با مدرنیته نیست بلکه تضاد آن با ایدئولوژی مدرن است که داعیه جهان‌شمولی و نفی غیریت‌های غیرغربی را دارد. به هر روی با چنین نگرشی در صدد تشریح عملکرد موافق با دستاوردهای عینی مدرنیته و مغایر با ایدئولوژی مدرن دولت‌های پس‌انقلاب اسلامی از مقطع زمانی ابتدای مهرماه ۱۳۶۰ به بعد خواهیم بود که ذیلا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

مرحله رویا بینی و امرنمادین مبتنی بر آرمان‌گرایی اسلامی (دولت جنگ)

پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه ظهور دولت ایدئولوژیک را فراهم آورد. شرایط اجتماعی ایران در دوران بعد از انقلاب منجر به کاهش درآمد ملی شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۵۴). وقوع جنگ، رشد و گسترش دولت را به اشکال مختلف به همراه داشت. وزارت اقتصاد به منظور تامین نیازهای اولیه مردم، کالابزرگ‌های سهمیه‌بندی برای کالاهای اساسی صادر کرد و وزارت علوم نیز برای مقابله با امپریالیسم فرهنگی، انقلاب فرهنگی برپا کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۸: ۳۱۱-۳۱۰). بنابراین در اوج جنگ به‌رغم نمایش رویاگونه امرنمادین متأثر از باورهای آرمانی انقلاب اسلامی و ضدیت با ایدئولوژی غرب‌گرای لیبرال، شاهد تحول در ساختارهای تخصصی دولت جهت همسویی با دستاوردهای مدرن هستیم. اما به موازات همسویی دولت دوره جنگ با اقتضائات ناشی از مدرنیته، نوعی از نگرش رویاگونه امرنمادین در این دوره را که ناشی از ضرورت‌های جنگ و بازگشت به خویشتن اسلامی در قالب صدور انقلاب و وحدت جهان اسلام بود، شاهد هستیم.

رسالت انقلاب اسلامی و مسئولیت جمهوری اسلامی به عنوان رهبر و مرکز جهان اسلام، ایجاب می‌کرد که اتحاد اسلامی و وحدت مسلمانان در اولویت اهداف سیاست خارجی

قرار گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۵۲). حتی طی این دوره، آرمان‌گرایان اسلامی در قالب امرنمادین خیال‌گونه و رویابین خود، به قدری در جهت پیشبرد آرمان‌های خود مصمم بودند که برخلاف دیگر اسلام‌گرایانی که شیوه تدریجی و مسالمت‌آمیز را برای عمل به مسئولیت‌های فراملی خود مناسب می‌دانستند، معتقد بودند که باید به شیوه تهاجمی و در صورت لزوم با استفاده از نیروی قهریه، آرمان‌های انقلاب اسلامی را عملی‌کنند (فرزانه پور و زنگنه، ۱۳۸۸: ۱۳۰). اما واقعیتی که نباید از آن غافل شد این است که امرنمادین متأثر از ساحت امر واقع، هرگز نمی‌تواند به یک شکل باقی بماند، لذا تغییرکرده و خود را با ضرورت‌های جدید تطبیق می‌دهد. در دوران جنگ نیز این دگردیسی تدریجی در ساحت امرنمادین در تغییر نگاه انقلابیون قابل مشاهده است. در این راستا، رویکرد عدم تعهد انقلابی که در ابتدای دوره جنگ محوریت داشت، از ایده تغییر فوری و فاحش نظم بین‌المللی به منظور استقرار نظم مطلوب به ایده عدم تعهد تجدید نظر طلب انقلابی مبتنی بر تغییرات زیربنایی و تعامل با ابرقدرت‌ها به دور از وابستگی تغییر جهت داد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۴۲ و ۳۳۷).

هم‌چنین از اواسط دهه ۶۰، شاهد پیدایش عناصر داخلی و خارجی در ساحت امر واقع هستیم که سبب‌ساز تغییر ماهیت امرنمادین رویاگونه اسلامی و شکل‌گیری امرنمادین متأثر از شرایط نوظهور شد. به طوری که در این سال‌ها، از یک سو در داخل و با توجه به پیامدهای اجتماعی- فرهنگی، گسترش شهرنشینی، افزایش ارتباطات با خارج، رشد سوادآموزی و آموزش عالی، به تدریج رشد اقتصادی و اجتماعی و رشد برخی اقشار اجتماعی را شاهد بودیم (فوزی، ۱۳۸۷: ۱۱۹). علاوه بر این در عرصه سیاست خارجی در این دوره نیز همسو با تحولات داخلی، تغییراتی به وقوع پیوست که ضرورت بازاندیشی در امرنمادین را ایجاب می‌نمود. در این دوره به ویژه از اواسط جنگ عراق علیه ایران، گفتمان امت‌محور، تحت تاثیر مشکلات داخلی و متأثر از فشارهای بین‌المللی به گفتمانی مرکز محور با تاکید بر ضرورت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ ام‌القری شیعه تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۳).

از دیدگاه جریان چپ سنتی که در دوره نخست وزیری مهندس موسوی حاکم بود، توسعه و رشد اقتصادی در مقایسه با عدالت اجتماعی از اولویت کمتری برخوردار بود. طیف چپ سنتی، ضمن اعتقاد به ضرورت رشد و توسعه اقتصادی، اولویت آن را کمتر از استقلال و عدالت اجتماعی با مفاهیم مورد نظر خود پذیرا بود (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۵۳). ضرورت‌های ناشی از این دوره، هرچند چرخ توسعه فاوستی را به دلیل اولویت مساله جنگ کند نمود اما آن را به عنوان اولویت مرتبه

دوم مورد توجه قرار داد. به هر روی در دوره جنگ، با فرآیندهای ایدئولوژیکی مدرنیته به شدت مخالفت شد. در این راستا جریان چپ سنتی هرگونه رابطه با آمریکا را رد نمود. مثلا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در آن مقطع در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این قدرت شیطانی (آمریکا) به چیزی کمتر از استحاله یا نابودی انقلاب اسلامی رضایت نمی‌دهد» (همان، ۲۵۱).

بنابراین در دولت میرحسین موسوی به دلیل شرایط انقلابی، جنگ تحمیلی و محوریت یافتن مفاهیمی مانند مجاهدت، دفاع از سرزمین، حفظ هویت اسلامی و... امرنمادین و رویاگونه دینی و اسلامی بر بسیاری از موضوعات سیطره داشت. نیروهای انقلابی در اثر نارضایتی از روح فائوستی توسعه در دوره پیش از انقلاب، برآن بودند تا با ارائه خوانشی هویتی و نمادین از موضوعاتی که در گذشته در چنبره توسعه فائوستی گرفتار آمده بودند؛ آرمانشهری دینی، مبتنی بر آرمان‌های دینی و اسلامی طراحی نمایند. در این دوره، خوانشی از امرنمادین متناسب با خصلت رویاگونه جامعه آرمانی اسلامی ارائه‌گردید و سعی برآن بود تا فضای زله‌ای مورد نظر نیروهای انقلابی جهت همسویی هرچه بیشتر مردم با روح کلی انقلاب و واپس‌راندن ضرورت توسعه فائوستی حفظ شود.

از این رو اولویت عدالت اجتماعی بر توسعه و رشد اقتصادی، ایجاد انسداد سیاسی در واکنش به شرایط جنگی، ارائه قرائتی غیرمتساهلانه در عرصه فرهنگی و تولیدات هنری، افزایش جمعیت و معضلات ناشی از آن و پذیرش برخی از واقعیت‌های بین‌المللی و گذار از عدم تعهد انقلابی به عدم تعهد انقلابی تجدید نظر طلب به ترتیب از عمده‌ترین شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی فائوستی در دوره جنگ می‌باشند که در چنبره رویاگرایی انقلابی قرار داشتند.

مرحله توسعه‌گری (دولت‌سازندگی)

اگر چه جنگ نتوانست خواسته‌های اولیه حامیان آن را برآورده سازد. اما به میزان زیادی از توان اقتصادی و نظامی ایران کاست. بدهی‌های خارجی و کسری بودجه، کاهش میزان تولید، کمبود سرمایه، فقدان سرمایه‌گذاری کلان در زیرساخت‌های کشور به علت اولویت‌های ناشی از جنگ، افزایش جمعیت به بیش از دو برابر و کاهش قیمت نفت از جمله عواملی بودند که به بحران اقتصادی در دوران جنگ منجر شدند (باقری دولت‌آبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۳۵). مدیران دولت‌سازندگی القاء می‌کردند که تنها راه خروج از بحران ورشکستگی و رکود کشور، اجرای

برنامه‌های تعدیل است. سیاست تعدیل در دوره نخست ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی که با قدرت شروع شد و به تدریج ادامه یافت، برخصوصی‌سازی، رقابتی کردن بازارها، تقویت نظام قیمت‌ها، مقررات‌زدایی و کاهش نقش دولت مبتنی شد (مردیها، ۱۳۹۷: ۹۳).

به هر روی، برآمدن دولت توسعه‌گرای سازندگی این مهم را به اثبات رساند که مساله توسعه فاوستی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان به آن بی‌توجه بود و آن را زیر حجاب امرنمادین و رویابینی ناشی از ضرورت‌های ابتدای انقلاب پنهان نمود. پس همزمان با پدیدار شدن هرچه بیشتر مساله توسعه، امرنمادین نیز خود را بر اساس ضرورت‌های ناشی از این دوره، ساماندهی کرد. در عرصه بین‌المللی نیز دولت سازندگی جهت شتاب بخشیدن به الگوی توسعه فاوستی مورد نظر خویش در بعد داخلی تلاش نمود تا از تندروری‌های دوره جنگ که عدم تمکین به قواعد بین‌المللی را در دستورکار خود قرار داده بود، خودداری ورزیده و با پذیرش قواعد بین‌المللی، همسویی مناسبی را با جامعه جهانی از خود به نمایش بگذارد. لذا خط و مشی عملی و رفتاری ایران در این دوره در صحنه سیاست خارجی را می‌توان بر اساس ضرورت‌های فاوستی توسعه و پذیرش دستاوردهای مدرن در قالب توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از تحریک در قالب سیاست عادی‌سازی روابط مورد بررسی قرارداد. به هر روی، درک نخبگان سیاسی از سیاست جهانی در هشت سال ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی بیشتر ژئوپلیتیک بود تا ایدئولوژیک (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۵).

بنابراین رویکرد ژئوپلیتیک محور هاشمی‌رفسنجانی در عرصه بین‌المللی به نتایج مثبتی در امور داخلی کشور منجر شد. به نحوی که ماشین توسعه شتاب گرفت، به طوری که به‌گفته صندوق بین‌المللی پول، رشد تولید ناخالص داخلی ایران از رقم ۸/۴ درصد میانگین پیش بینی شده برنامه پنج‌ساله، فراتر رفت. اما روند شتابان توسعه در دولت هاشمی‌رفسنجانی، سبب‌ساز افزایش تورم، بیکاری، نوسان قیمت‌ها و فساد همه‌گیر شد و تشدید نارضایتی سیاسی را در پی داشت (رمضانی، ۱۳۸۰: ۸۳). توسعه فاوستی دوره سازندگی در زمینه فرهنگی هم پیامدهایی داشت. غلامحسین کرباسچی در این خصوص می‌گوید: «شما نمی‌توانید یک شهر ۱۲ میلیون نفری داشته باشید که هم خدمات شهری آن تامین شده باشد. هم با یک معماری سنتی هیچ مشکل فرهنگی و اجتماعی نداشته باشید» (کرباسچی، ۱۳۸۶).

بنابراین در دوره سازندگی شاهد ترک خوردن پوسته انزواگرایانه و بسته باورها و رویاهای اسلامی دوره جنگ هستیم به گونه‌ای که در دوره هاشمی، بسیاری از تمایلات دنیاگرایانه

در اثر گسترش روند نوسازی بروز می‌یابد که با ارزش‌های پیشین در تضاد است. پس در حوزه فرهنگی در دوره سازندگی، پیدایش ارزش‌های غربی در قالب پروژه ناتوی فرهنگی امری دور از انتظار نبود. از این‌رو در این دوره شاخص‌های متعدد توسعه فاستی در عرصه‌های مختلف خود نمایی‌کرد که این شاخص‌ها شامل پیشبرد برنامه‌های سازندگی و خصوصی‌سازی (شاخص اقتصادی)، ایجاد فضای بسته سیاسی و کنارزدن مشارکت سیاسی خودجوش (شاخص سیاسی)، شکاف دریاورهای انقلابی و توجه به ارزش‌های مادی و دنیوی (شاخص فرهنگی)، افزایش مطالبات اجتماعی، بیکاری و فساد همه‌گیر (شاخص اجتماعی) و گفتگوی انتقادی با غرب (شاخص بین‌المللی) می‌باشند.

مرحله شکل‌گیری زیست جهان (دولت اصلاحات)

درباره پیروزی محمدخاتمی و جریان موسوم به دوم خرداد، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. کارگزاران سازندگی آن را به دولت هاشمی و برنامه‌های سازندگی متعلق می‌دانند، چرا که دولت سازندگی توانست با استقراض و جذب سرمایه خارجی، رونق تولید را فراهم سازد. به طوری که با رونق تولید و کار درکشور، شرایط دوران جنگ به شدت تغییر یافت و مطبوعات در فضای سیاسی کشور به فعالیت مشغول شدند. برخی از افراد هم با نگاه سلبی معتقد بودند که دوم خرداد از عوارض و بازتاب‌های دوران سازندگی بود و پاسخی منفی به عملکرد دوران سازندگی محسوب می‌شد. بر اساس این نگرش، دوم خرداد اعتراض به خط و مشی‌های یک‌سویه و شتابان دولت سازندگی در جهت توسعه اقتصادی و بی‌توجهی این دولت به توسعه سیاسی بود (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۷۰-۲۶۹).

لذا همسو با دیدگاه دوم باید گفت که در دوره اصلاحات، سیاست بیش از اقتصاد الویت یافت و توسعه سیاسی در قالب ساخت جهان زیست‌ها بر ماسی جهت تلطیف اثرات توسعه شتابان فاست‌گونه دولت قبل مورد توجه قرار گرفت. هم‌چنین در دوره خاتمی به نحو فزاینده‌ای به اقتدار قانونی و قانون‌گرایی به مفهومی که ضامن حقوق و آزادی‌های سیاسی در جامعه مدنی بود، جهت تأمین مشروعیت نظام رجوع شد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۹۲). یکی از ویژگی‌های برجسته دوره اصلاحات، تغییر در محتوای امرنمادین نسبت به دوره سازندگی و حتی دوره جنگ بود. در این برهه زمانی متناسب با شرایط داخلی و بین‌المللی ایران، در هویت ملی، منافع ملی و ماهیت انقلاب اسلامی که از سازوکارهای امرنمادین محسوب می‌شدند،

تغییراتی حاصل شد. هم‌چنین استقرار مردم‌سالاری دینی که برخاسته از حوزه جهان زیست بود، علاوه بر جلوگیری از تهدید تجاوز خارجی به بهانه تحمیل آزادی و دموکراسی، اعتبار بین‌المللی ایران را در جهان افزایش می‌داد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۴۴-۱۴۱).

به هر روی هرچند دولت خاتمی تلاش نمود تا در واکنش به نارسایی‌های دولت سازندگی در عرصه سیاسی، حیات جهان زیست مبتنی بر تعامل و گفتگو را در دو عرصه داخل و خارج از کشور احیاء کند اما این دولت نیز در پوشش چهره تعامل‌گرای خویش، نسبت به منطق توسعه فاوستی و همسویی با دستاوردهای مدرن در عرصه اقتصادی بی‌توجه نبود. در این راستا در دوره اصلاحات، متغیرهای اقتصادی جهت همسویی با منطق توسعه فاوستی، رشد چشمگیری را نشان می‌دهد. به طوری که در دوره مذکور، شاخص جریان‌های واقعی اقتصادی از ۱۲/۷۷ در سال ۱۳۷۷ به ۲۶/۷۳ در سال ۱۳۸۴ رسید. به این ترتیب اگر سال نخست دولت خاتمی را با سال آخر این دولت مقایسه کنیم، مشخص می‌شود که نخستین شاخص متغیر جهانی شدن اقتصادی، یعنی جریان‌های واقعی اقتصادی در ایران، طی این دوره ۱۳/۹۶ رشد داشته است (خاتمی، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

به هر روی با روی کار آمدن دولت خاتمی، سعی بر آن بود تا ضمن تداوم روح فاوستی توسعه در زمینه اقتصادی، از اثرات ناخوشایند این وضعیت که نگاهی صرفاً ابزاری به انسان را در دستور کار خود قرار داده بود، با طراحی مدل زیست‌جهان گفتگو محور و مفاهمه‌ای، سویه‌ای اخلاقی و انسانی‌تر از مناسبات اجتماعی و سیاسی را مد نظر قرار دهد. هم‌چنین در این دوره از تمرکز بر امرنمادین دینی و اسلامی بر خلاف دوره هشت‌ساله جنگ کاسته شد و تلاش شد تا با رویکردی انسانی و نه ابزاری به توسعه، اقداماتی در جهت توسعه همه‌جانبه صورت گیرد. به عبارتی در این دوره نیز توسعه فاوستی و مسائل آن با خوانشی انسانی‌تر مورد توجه دولت اصلاحات قرار گرفت.

بنابراین در دوره خاتمی، طرح بحث توسعه سیاسی مبتنی بر گفتگو در داخل و گفتگوی تمدن‌ها در سطح نظام بین‌المللی، نشانگر اثرات منفی الگوی توسعه فاوستی مدرن بود که خود را به صورت شکاف طبقاتی پدیدار ساخت و از سوی دیگر نشانگر تمایل جامعه به گفتگوی آزاد از سیطره امرنمادین تغییر شکل یافته حاکم محسوب می‌شد اما دولت اصلاحات به رغم این تمایل، هم‌چنان با تاکید بر توسعه همه‌جانبه، کارگزار فعال توسعه مدرن بود. گفتنی است که در دوره خاتمی تمایل به ایدئولوژی مدرن یعنی تلاش در جهت نهادینه‌سازی دموکراسی در ایران، بیشتر از دوره‌های قبل و بعد از آن صورت گرفت. از این رو، تاکید بر رشد

اقتصادی متوازن (شاخص اقتصادی)، توسعه سیاسی در داخل (شاخص سیاسی)، ترویج تساهل و مدارای فرهنگی (شاخص فرهنگی)، احیای مفهوم شهروندی و حذف شهروند درجه دو (شاخص اجتماعی) و توجه برگفتگوی تمدن‌ها (شاخص بین‌المللی) از جمله عمده‌ترین شاخص‌های توسعه فاوستی همسو با امرمدن در دوره اصلاحات می‌باشند.

بازگشت به رویایی و امر نمادین مبتنی بر نوستالژی اسلامی (دولت احمدی نژاد)

هرچند دولت احمدی نژاد از جمله دولت‌های پس از انقلاب بود که در سطح شعار در صدد احیاء آرمان‌گرایی ایدئولوژیک در قالب رویاگونگی برآمد، اما به‌رغم مخالفت‌های ایدئولوژیک که با محیط پیرامونی‌اش داشت، مانند سایر دولت‌های پس از انقلاب، با تحولات مدرن همسویی نشان داد. دولت احمدی نژاد، اقبال بلندی برای کسب درآمد یا تولید ناخالص ملی داشت که این امر به مساله افزایش ناگهانی قیمت نفت و اختلاف دلار در آن سال‌ها باز می‌گردد. در دو سال نخست روی کار آمدن دولت نهم، تولید ناخالص ملی به ۲۰۳۱ میلیارد رسید (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

یکی از ویژگی‌های دولت احمدی نژاد که آن را همسو با الگوی فاوستی توسعه نشان می‌داد، تلفی خاص آن از خصوصی سازی بود. احمدی نژاد بر این باور بود که با خصوصی سازی مخالف نیست بلکه با خصوصی سازی‌های گذشته مخالف است و بسیاری از آن‌ها را همراه با فساد می‌داند. او مدعی بود که حجم خصوصی سازی صورت گرفته در دولتش به مراتب بیشتر از دولت‌های پیشین بوده است. آمارها نیز موید این ادعاست که حجم خصوصی سازی در دولت وی بیشتر از دولت خاتمی بوده است (سرزعی، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

علاوه بر خصوصی سازی، اهتمام دولت احمدی نژاد به ساخت مسکن مهر نیز یکی دیگر از نشانه‌های تلاش ماشین فاوستی دولت او در جهت همسویی با امرمدن محسوب می‌شود. در دولت احمدی نژاد، ساخت دو میلیون ۱۳۰ هزار واحد مسکونی آغاز شد و از این تعداد، تنها یک میلیون واحد به مرحله افتتاح رسید و از این تعداد، تنها حدود ۴۰۰ هزار واحد دارای انشعاب آب، فاضلاب، برق یا گاز بود (همان، ۲۷۷). اما در حوزه بوروکراتیک نیز در دولت احمدی نژاد، شاهد کوچک سازی دولت بودیم که این امر نشانگر همسویی دولت با ضرورت‌های ناشی از امرمدن بود. دولت دهم با سرعت سه وزارت خانه را در یکدیگر ادغام کرد و از مجلس برای آن رای گرفت (پزشکیان، ۱۳۹۶).

دولت احمدی نژاد در عرصه سیاست خارجی در راستای نگاه به نوستالژی اوایل انقلاب، دال برتر عدالت را مورد توجه قرار داد. به طوری که رئیس‌جمهور وقت با صراحت، عدالت‌گستری را به عنوان یکی از مبانی و اصول سه‌گانه‌ای برشمرد که همه ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید بر پایه آن‌ها طراحی، اجرا و به جامعه بین‌المللی عرضه می‌شد (فرزانه‌پور و زنگنه، ۱۳۸۸: ۱۳۳). در دوره احمدی نژاد، شاهد اوج تقابل ایران و غرب به لحاظ ایدئولوژیکی پس از دوران جنگ هستیم. به طوری که دولت او در خصوص موضوع هسته‌ای، بیشترین چالش‌ها با غرب را از خود به نمایش گذاشت. در این راستا احمدی نژاد در ۴ آبان ۱۳۸۴ در یک سخنرانی، اظهار امیدواری کرد که اسرائیل از بین برود. تونی بلر، نخست‌وزیر وقت انگلیس گفت که چنین احساساتی کاملاً غیر قابل قبول است و تاکید کرد که درباره برنامه هسته‌ای ایران، نگرانی‌های جدی دارد (موسویان، ۱۳۹۴: ۳۰۵).

متعاقب این اظهارات، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۱۶۹۶ را ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل بر علیه ایران صادر کرد و مهلت یک ماهه تعیین نمود تا ایران فعالیت‌های مربوط به چرخه سوخت هسته‌ای خود را تعطیل کند (همان، ۳۵۳). از نظر شاخص سیاسی که موید بحث ایدئولوژیکی و ناسازگاری دولت احمدی نژاد با ایدئولوژی غرب است، شاهد ثبات و نوسانات محدود این شاخص در ارتباط با غرب هستیم. به واقع هرچه به سال‌های انتهایی دولت احمدی نژاد نزدیک‌تر می‌شویم، دولت مذکور، انعطاف بیشتری را جهت تعامل با غرب از خود نشان داد. پس این شاخص از توسعه فاوستی که در سال‌های ابتدایی دولت احمدی نژاد، ۶۵/۳۰ بود، در سال آخر دولت احمدی نژاد با ۲/۳۹ افزایش به ۶۷/۶۹ رسید (حاتمی، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

بنابراین در دولت محور احمدی نژاد نیز هرچند امرنمادین و توجه به ارزش‌های نمادین اسلامی و برجسته‌سازی هویت دینی در دستورکار قرار گرفت و به لحاظ ایدئولوژیکی آن هم در حوزه سیاسی، تقابل جدی با دموکراسی به عنوان مفهومی برآمده از ایدئولوژی مدرن صورت گرفت، اما دولت در این دوره نتوانست نسبت به ماشین در حال حرکت توسعه بی‌توجه بماند. در این مقطع نیز مانند دوره‌های قبل، منطق فاوستی توسعه نیز راهنمای امرنمادین رویاگونه اسلامی و موثر بر آن بود. از این رو، بسیاری از شاخص‌های فاوستی مورد توجه قرار گرفت. لذا توجه به خصوصی‌سازی (شاخص اقتصادی)، ایجاد انسداد سیاسی و

مشارکت سیاسی سازمان دهی شده (شاخص سیاسی)، تاکید بر احیای ارزش‌های اسلامی در قالب جریان اصول‌گرایی، ضمن همزیستی با فرآیندهای فرهنگی جدید در عرصه فرهنگ و هنر (شاخص فرهنگی)، رسیدگی به امور طبقات پایین با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و در عین حال آزادسازی قیمت‌ها (شاخص اجتماعی) و مذاکره هسته‌ای و تلاش برای تعامل با غرب (شاخص بین‌المللی) از عمده‌ترین شاخص‌های فاوستی توسعه مدرن محسوب می‌شوند که در دولت احمدی‌نژاد به آن‌ها پرداخته شد.

بازگشت به توسعه‌گری (دولت اعتدال‌گرای روحانی)

دولت توسعه‌گرای حسن روحانی، یادآور دولت سازندگی هاشمی رفسنجانی است. به واقع همان مسیر توسعه فاوستی مبتنی بر توسعه اقتصادی را که دولت سازندگی طی نمود، دولت اعتدال‌گرای روحانی نیز همان مسیر را جهت همسویی با مدرنیته آن هم با خوانشی اقتصاد محور سپری کرد. در سال‌های انتهایی دهه هفتاد، حلقه پیرامون حسن روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، به تدریج وارد فعالیت سیاسی حزبی شده و با تابلوی حزب اعتدال و توسعه، فعالیت سیاسی و حزبی خود را شروع کرد. طبق توصیه هاشمی، بهترین گزینه برای رهبری حزب، حسن روحانی بود (سراج و اخوان، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۱). دولت اعتدال‌گرای حسن روحانی برآن بود تا با خوانشی فاوست‌گونه، مساله توسعه را که میراث دولت سازندگی هاشمی رفسنجانی بود، در پیش گیرد.

به واقع دولت روحانی بدون توجه به آرمان‌های رویاگونه اوایل انقلاب که با محوریت گزاره‌های ارزشی مورد توجه بود، سعی برآن داشت تا با تاکید بر موضوعات اقتصادی و اتخاذ رویکردی مصلحت‌اندیشانه و دیپلماسی محور به حل و فصل مسائل فراروی انقلاب اسلامی که عمدتاً ماهیتی توسعه‌ای و مرتبط با سیاست خارجی داشت، همت گمارد. روحانی با شناخت دقیق شرایط ساختاری و بهره‌برداری از آن در شعارهای انتخاباتی خود، روی مسائل سیاست خارجی و هسته‌ای تاکید ویژه‌ای داشت و تلویحاً مشکلات موجود در تعامل با غرب را ریشه بسیاری از معضلات به وجود آمده و تشدید بحران اقتصادی و تحریم‌ها می‌دانست. مردم هم از این وعده‌ها استقبال کردند. به این ترتیب روحانی برای عمل به وعده‌ها باید اولویت ویژه‌ای به مسائل سیاست خارجی و مخصوصاً لغو تحریم‌ها می‌داد (قهرمان پور، ۱۳۹۴: ۳۸۰).

روحانی در نخستین نشست خبری پس از اعلام نتایج انتخابات، نخستین خط و مشی دولت خود را با شعار تدبیر و امید، نجات اقتصاد کشور، احیای اخلاق، تعامل سازنده با جهان و اعتدال دانست و به صراحت اعلام کرد که بسیاری از سیاست‌ها و اقدامات دولت گذشته نیازمند بازنگری است (مشروح نخستین نشست خبری دکتر حسن روحانی، ۱۳۹۲). شایان ذکر است که پیگیری موضوع هسته‌ای ایران به عنوان یکی از ابزارهای تکنولوژیکی مدرن که نمایانگر بهره‌گیری دولت‌های پس از انقلاب از دستاوردهای مدرن است، در دوره ریاست جمهوری روحانی جهت حصول به تفاهم با دولت‌های غربی برای حفظ تکنولوژی هسته‌ای مورد توجه قرار گرفت.

روحانی در کتاب خود با عنوان امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای این مهم را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: «توسعه علمی و فنی کشور از طریق دانش هسته‌ای، تصویری نیست که بتوان آن را فقط برای یک دولت قاب گرفت و یا در انحصار گروهی خاص قرار داد... پس از... جنگ تحمیلی...، کسب... فناوری هسته‌ای به عنوان یکی از مولفه‌های سازندگی در فهرست نیازهای کشور در دولت سازندگی پیگیری شد و در دولت اصلاحات نیز با جدیت تمام شتاب یافت» (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۷). تعامل سازنده به عنوان یکی از عناصر گفتمان اعتدال‌گرای دولت روحانی به دکنترین سیاست خارجی دولت وی تبدیل شد، به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در این چارچوب در پی افزایش تنش با آمریکا نیز نیست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۳). لذا، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت روحانی، تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی است. به طوری که آرمان‌ها در اثر تماس با اقتصاد و رویکرد تعاملی، جنبه پویا و متفاوتی را به لحاظ ماهیت با آرمان‌گرایی و رویاگرایی دهه شصت داشت.

بنابراین در دولت اعتدال‌گرای روحانی، به دلیل بروز پیچیدگی‌های حکمرانی در عرصه داخلی و بین‌المللی و تشدید فشارهای جامعه بین‌المللی علیه ایران، امرنمادین نیز متأثر از این شرایط دستخوش تغییرات گسترده‌ای شد. به نحوی که نسبت به امرنمادین ایدئال اسلامی دهه شصت، ضرورت‌های جدیدی ایجاد شده بود که اقتضاء می‌کرد تا امرنمادین از ابتناء بر شرایط سخت‌افزاری دوره جنگ خارج شده و با محوریت پیچیدگی‌های نرم‌افزاری خودنمایی کند. به هر روی گسترش خصوصی‌سازی، انسداد سیاسی، تأکید بر تنوع‌فرهنگی و هنری با نگاهی متساهلانه، تأکید بر حقوق شهروندی، و تعامل با جهان از عمده‌ترین

شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی توسعه فاوستی در دوره روحانی محسوب می‌شوند.

بازگشت به اصول‌گرایی انقلابی و عدالت‌خواهانه (دولت رئیسی)

هرچند مدت زیادی از آغاز به‌کار دولت ابراهیم رئیسی نمی‌گذرد اما این دولت نیزگرایی از حرکت براساس ضروریات توسعه فاوستی ندارد. شرایط در حال تحول کشور از ابتدای دهه نود شمسی به قدری با سرعت به سوی امرمدن (توسعه فاوستی) در حرکت است که دولت رئیسی قادر نیست تا مانند اوایل انقلاب با سرپوش گذاشتن بر توسعه مدرن، آن‌هم در فضای کاملاً ژله‌ای و آرمان‌خواهانه، پندارهای اعتقادی خود را دنبال کند. دولت مذکور نیز در بسیاری از موارد توانایی تغییر قواعد بازی بین‌المللی به عنوان یکی از ابعاد توسعه فاوستی را ندارد و در این راستا، همان راه دولت پیشین (دولت روحانی) را طی می‌نماید. این امر به خوبی بیانگر ناگزیری دولت رئیسی از اقدام بین‌المللی براساس قواعد منطق فاوستی توسعه است.

وزیر امور خارجه دولت انقلابی در اظهاراتی درخصوص استراتژی سیاست خارجی دولت سیزدهم اظهار داشت که نگاه به آسیا به این معنا نیست که به مناطق دیگر از جمله غرب توجه نداشته باشیم. او یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی متوازن را این می‌داند که ضمن توجه به اولویت‌ها از هر فرصتی در سایر نقاط جهان برای تأمین منافع ملی‌مان استفاده کنیم (مصاحبه با امیرعبداللهیان، ۱۴۰۰). به واقع اظهارات وزیر امور خارجه دولت سیزدهم به معنای هوشمندی و فهم واقع‌گرایانه و نه صرفاً ایدئولوژیک از تحولات بین‌المللی است. افزون بر این، این سخنان، نشانگر همسویی دولت انقلابی با منطق فاوستی در عرصه نظام بین‌الملل و کاربست شیوه‌های موثر برای پیشبرد اهداف دولت جهت تحقق حداکثری منافع ملی است.

رئیس دولت سیزدهم در پاسخ به سوالی مبنی بر این که به عنوان کسی که برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی سوگند یاد کرده‌اید، چرا از حقوق مردم در مقابل طرح محدودیت‌زای صیانت، حمایت و حفاظت نمی‌کنید؟ پاسخ داد که از حقوق مردم در زمینه فضای مجازی حمایت می‌کنیم و مردم در این زمینه نگرانی نداشته باشند (رئیسی، ۱۴۰۰). به واقع این پاسخ رئیس دولت سیزدهم به معنای پذیرش موجودیت فضای مجازی و نوعی

همسویی با منطق فاوستی توسعه‌است. افزون بر این دولت رئیسی با ایجاد محدودیت در فضای اینترنتی در قالب طرح صیانت بر آن است تا از ترکش‌های فضای مجازی مصون بماند، اما پیوند خوردن معیشت و کسب و کار بخش عمده‌ای از جامعه با اینترنت و فضای مجازی، فشارهایی را فراروی دولت مذکور قرار داده‌است. در چنین شرایطی دولت در صدد است تا به نحو محتاطانه‌ای، موضوع صیانت از فضای مجازی را به پیش برد.

برنامه‌ریزی برای ساخت مسکن از سوی دولت سیزدهم از جمله اقداماتی است که از سویی نشانگر همسویی این دولت با منطق فاوستی توسعه و از سوی دیگر بیانگر دغدغه‌های رویاگونه و هویتی دولت مزبور در راستای اهداف و آرمان‌های اسلامی در جهت حمایت از محرومین است. از این رو، معاون راه و شهرسازی دولت سیزدهم در خصوص ساخت مسکن از سوی این دولت بر این باور است که برای چهار سال دو میلیون واحد استارت زده خواهد شد که تا پایان دولت امکان چهار میلیون هم وجود دارد و در مجموع واحدها در دوره چهارساله به بهره‌برداری خواهند رسید (محمودزاده، ۱۴۰۰).

به هر روی دولت انقلابی رئیسی با تکیه بر عدالت در صدد است تا با اتخاذ رویه‌ای عادلانه از فشاری که در اثر توسعه فاوستی در دولت قبل متوجه طبقات متوسط و پایین جامعه شده، بکاهد. این دولت بر آن است تا با توجه به اقشار محروم و کم درآمد جامعه از مشکلات آن‌ها بکاهد. اما شدت آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از منطق فاوستی توسعه به قدری کاری بوده‌است که با بیان شفاهی دولتمردان فعلی و حتی اقدامات عملی نابسندۀ آنان از شدت این آسیب کاسته نخواهد شد. به عبارتی این دولت میان اجرای آرمان‌های عدالت‌طلبانه اسلامی و پیگیری توسعه فاوستی بر آن است تا از شدت توسعه فاوستی مدرنیته بکاهد. ولی تغییرات صورت‌گرفته در سالیان اخیر که حاکی از تحرك روندهای جهانی توسعه فاوستی است، به قدری است که این دولت در عمل‌گیری از همسویی با منطق فاوستی نخواهد داشت.

بنابراین در دولت رئیسی نیز امرنمادین متأثر از شرایط در حال تغییر جامعه که ناشی از امر مدرن و توسعه فاوستی آن می‌باشد، دستخوش تغییر گشته است. از این رو، تاکید بر عدالت اقتصادی در عین ناگزیری از همسویی با منطق فاوستی، ایجاد انسداد سیاسی در داخل، تاکید بر عدالت اجتماعی از طریق توازن در پرداخت حقوق و دستمزد در واکنش به توسعه فاوستی، اهتمام بر اجرای ارزش‌های انقلابی در عین پذیرش چارچوب‌های فرهنگی و

هنری غیر همسو و توجه به واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل در عین تضاد ایدئولوژیکی با غرب از عمده‌ترین شاخص‌های مرتبط به توسعه فاوستی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی در دولت سیزدهم محسوب می‌شوند.

نتیجه‌گیری

اصل انقلاب اسلامی یک موضوع مدرن است به گونه‌ای که در جای جای قانون اساسی جمهوری اسلامی از الگوها و نمادهای قوانین اساسی مدرن استفاده شده است. از این رو، آن چه از مناسبات دولت و مدرنیته در ایران پس‌انقلاب بر می‌آید این است که دولت‌های مذکور با هر رویکردی، تماما با پذیرش دستاوردهای مدرن موافقت داشته‌اند اما تفاوت آنان در نوع مواجهه با رویکرد ایدئولوژیک غرب است که در این راستا، دولت مهندس موسوی (دولت دوران جنگ)، دولت احمدی‌نژاد و دولت انقلابی ابراهیم رئیسی در قالب تمسک به آرمان‌های اسلامی، بیشترین تقابل ایدئولوژیکی با غرب را از خود به نمایش گذاشته‌اند. اما در دولت‌های هاشمی، خاتمی و روحانی، وجه تعاملی آن با غرب پررنگ‌تر است.

تمامی دولت‌های پس از انقلاب به رغم این که در تلاش بوده‌اند تا آرمان‌های انقلاب را در قالب امرنمادین و در هاله‌ای از رویایی نوستالژیک محقق نمایند، اما آنان خواسته‌ها یا ناخواسته، کارگزار توسعه فاوستی بوده‌اند. هرچند در دوره جنگ، رویاگونگی مبتنی بر قطع ارتباط با دنیا در قالب رویکرد تجدید نظرطلبی به صورت کامل‌آله‌ای، توسعه فاوستی را پوشانده بود اما در انتهای این دوره، از خاکستر ناشی از امرنمادین مبتنی بر رویاگونگی، ققنوس توسعه فاوستی و ضرورت‌های ناشی از آن سر برآورد. امرنمادین در دوره احمدی‌نژاد و خاتمی تغییر شکل یافت، هر چند که از رویاگونگی خارج شده ایم ولی امرنمادین سعی دارد تا خود را با شرایط جدید، یعنی ضرورت‌های فاوستی توسعه تطبیق دهد.

پس مساله مدرنیته (پذیرش دستاوردهای مدرن) مورد پذیرش تمامی دولت‌های پس از انقلاب بوده است اما پذیرش وجه ایدئولوژیکی مدرنیته از جمله موضوعاتی است که دولت‌های مذکور با توجه به ماهیت متغیر امرنمادین درگذر زمان با آن چالش داشته‌اند. بنابراین، مجموع مباحث مطرح شده در خصوص مناسبات دولت و مدرنیته در ایران پس‌انقلاب را می‌توان در قالب جدولی به شرح زیر ترسیم نمود.

شکل شماره (۲)

دولت	امر نمادین	رویکرد به توسعه فاوستی	نگاه به غرب از منظر ایدئولوژیک	رویکرد به مدرنیته (دستاورهای مدرن)
موسوی	رویگرایی و دفاع از آرمان‌های اسلامی	نقد الگوی توسعه فاوستی در عین انجام برخی اصول توسعه فاوستی	نفی - آمریکا ستیزی	پذیرش
هاشمی	نوعی عملگرایی اقتصادی همسو با الگوی توسعه فاوستی	پذیرش الگوی توسعه فاوستی	نفی - توأم با گفتگوی انتقادی	پذیرش
خاتمی	دفاع از جهان زیست گفتگو محور در دو عرصه داخلی و خارجی	پذیرش الگوی توسعه فاوستی در پوشش زیست جهان	تأکید بر گفتگو با غرب	پذیرش
احمدی نژاد	بازگشت به آرمان‌های اسلامی با ماهیت عملگرایانه	پذیرش الگوی توسعه فاوستی در پوشش حمایت از طبقات پایین	نفی - نوعی عملگرایی در ارتباط با آمریکا	پذیرش
روحانی	تأکید بر تعامل‌گرایی در دو عرصه داخلی و خارجی	پذیرش الگوی توسعه فاوستی	تأکید بر تعامل با غرب در قالب منطق اقتصادی	پذیرش
رئیس‌ی	اصول‌گرایی مبتنی بر عدالت‌خواهی	پذیرش الگوی توسعه فاوستی در عین مقابله با ترکش‌های این الگو با تکیه بر عدالت‌محوری	نفی - اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه در عین تقابل ایدئولوژیکی با آمریکا	پذیرش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۸)، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، چاپ بیستم، تهران، نشر نی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس.
- احمدی، بابک (۱۳۷۳)، مدرنیته و اندیشه‌های انتقادی، تهران، نشر مرکز.
- باقری دولت‌آبادی، علی و ابراهیمی، حسین (۱۳۹۵)، «توسعه‌حوری در دولت‌سازندگی و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران»، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۶، تابستان، صص ۱۷۳-۱۳۳.
- برمن، مارشال (۱۳۹۷)، تجربه مدرنیته، تهران، طرح نقد.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، اندیشه‌های مارکسیستی، چاپ سوم، تهران، نشرنی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی، تهران، نگاه معاصر.
- پدram، مسعود (۱۳۸۲)، روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب، تهران، گام نو.
- پرستش، شهرام (۱۳۸۷)، «تجربه امرمدرن»، خردنامه، شماره ۴۸، مرداد و شهریور.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۶)، مدرن‌ها، تهران، نشر مرکز.
- حاتمی، عباس (۱۳۹۶)، «تحلیل تطبیقی جهانی شدن اقتصادی و سیاسی در دولت خاتمی و احمدی‌نژاد»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره اول، زمستان، صص ۱۳۰-۹۷.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۹۴)، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با درویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- خدابخشی، لیلیا، خالدی، احسان و آسوده، رضا (۱۳۹۷)، «مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد با حسن روحانی»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۷، زمستان، صص ۱۱۲-۹۹.
- دارابی، علی (۱۳۸۸)، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۴)، تحول‌گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات موسسه ایران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، چرخه‌گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از

دولت بازرگان تا دولت روحانی، تهران، نشر مخاطب.

- رضانی، روح‌الله (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر نی.
- روحانی، حسن (۱۳۹۰)، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- رئیسی، سید ابراهیم (۱۴۰۰)، اولین واکنش ابراهیم رئیسی به طرح صیانت از فضای مجازی / خیال مردم راحت باشد، در دسترس در: <https://www.eghtesadnews.com/>
- زرشناس، شهریار (۱۳۶۹)، «فاوست گونه آیین بشریت جدید»، نشریه سوره اندیشه، دوره اول، شماره ۲۴، اسفند، صص ۵۲ تا ۵۰.
- سراج، رضا و اخوان، محمدجواد (۱۳۹۵)، از مکتب نیاوران تا کابینه توسعه‌گرا، تهران، انتشارات دیدمان.
- سرزعی، علی (۱۳۹۶)، پوپولیسم ایرانی: تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی‌نژاد از منظر اقتصاد و ارتباطات سیاسی، تهران، نشر کرگدن.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شوالیه، ژان ژاک (۱۳۹۸)، آثار بزرگ سیاسی از ماکیاولی تا روزگار ما، تهران، فرهنگ نشر نو.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۷)، «سمت و سوی تحولات سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی در ایران»، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی درآمدی بر کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران، جلد یکم، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران، اسفندماه.
- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۹۴)، بررسی چهار دهه تحول خواهی در ایران، تهران، روزنه.
- فرزانه‌پور، حسین و زنگنه، پیمان (۱۳۸۸)، «مقایسه رفتاری سیاست خارجی ایران: گفتمان آرمان‌گرایی ارزش‌محور و گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۲، بهار.
- فون‌گوت، یوهان ولفگانگ (۱۳۹۹)، فاوست، ترجمه م.ا. به آذین، چاپ دهم، تهران، انتشارات نیلوفر.
- گفتگو با مسعود پزشکیان (۱۳۹۶) کوچک‌سازی دولت با ادغام وزارتخانه‌ها تنها در تئوری اتفاق افتاد نه در عمل،: www.icana.ir/Fa/News/
- مشروح نخستین نشست خبری دکتر حسن روحانی (۱۳۹۲)، قابل دسترسی در: <https://www.irinn.ir/fa/news/19233>

- محمود زاده، محمود (۱۴۰۰)، جزئیات ساخت مسکن در دولت رئیسی، قابل دسترسی در: <https://www.eghtesadnews.com/>
- مردیها، مرتضی (۱۳۹۷)، «نقش توسعه اقتصادی در تحول فرهنگی: عصر پسا جنگ در ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره دوم، بهار.
- مصاحبه با حسین امیرعبداللهیان (۱۴۰۰)، استراتژی سیاست خارجی دولت رئیسی، قابل دسترسی در: donya-e-egtesad.com
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۵)، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، نشر نی.
- مصاحبه کرباسچی با بی بی سی فارسی، ۱۳۸۶/۴/۲۴ قابل دسترسی در: http://www.bbc.com/Persian/iran/story/2007/07/070715_ka-karbaschi2.shtml
- موسویان، حسین (۱۳۹۴)، روایت بحران هسته‌ای ایران: ناگفته‌های یک دیپلمات، ترجمه رحمن قهرمان پور، تهران، انتشارات تیسرا.
- موللی، کرامت (۱۳۸۶)، مبانی روان‌کاوی فروید- لکان، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- میرسپاسی، علی (۱۳۹۳)، تاملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفت‌وگوهای روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران، ترجمه جلال توکلیان، تهران، نشر ثالث.
- هومر، شون (۱۳۸۸)، ژان لاک، ترجمه محمدعلی جعفری و محمد ابراهیم طاهائی، تهران: فتنوس.
- Lacan.J (1993), , The seminar. Book III. The psychoses, 1955-56, trans Russell Grigg, notes by Russei Grigg, London: Routledge.